



تکیه بر نام «پوزوراینشوشیناک» توانسته کلید خواندن آنها را به دست آورد. من خودم سال‌ها پیش که متون کمتری به دست آمده بود، در دانشگاه شیکاگو تلاش‌هایی کردم، اما موفق نشدم و استادانم معتقد بودند با این تعداد کم به نتیجه نخواهم رسید. علت اصلی کم بودن متون است و تعداد متن‌ها ناچیز است. با این حال این تلاش‌ها بسیار ارزشمند هستند و باید از آنها حمایت کنیم تا بیش از پیش بتوانیم از گذشته خودمان آگاهی به دست آوریم. قطعاً هر تلاشی در این زمینه شایان تقدیر است. البته باید با احتیاط برخورد کرد و مدعی نباشیم که آنچه ما نتیجه گرفتیم قطعی است و اگر فردا دانشمندی دیگر به ما اطلاعات دقیق‌تری ارائه کند باید استقبال کنیم و گام به گام جلو برویم. ماهیت دانش، به‌روزرسانی است و باید این امید را داشته باشیم که بسیاری از گنجینه‌های نهفته در دل این خاک نازنین در آینده برایمان آشکار شود تا بیشتر از هویت و تمدن خود آگاهی یابیم.

آیا ایرانیان پیشگام پیدایش خط بوده‌اند؟ می‌توانیم بگوییم ایران از بین‌النهرین در این حوزه جلوتر بوده است؟

من به‌عنوان یک سالک علم، این ادعا را قبول ندارم و معتقدم نباید احساسی با موضوعات علمی مواجه شد. ما و جهان امروز بسیاری از نخستین‌ها را از بین‌النهرین به دست آورده‌ایم؛ مانند تقسیم‌بندی روز به ۲۴ ساعت و طول روزها و گاهشماری سال‌ها در تمدن سومر و تقسیم‌بندی ۳۶۰ درجه در دایره و نظایر آن. اما تردیدی نیست که این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل بوده است. منظور من از بین‌النهرین معنی خاص آن است؛ یعنی میان دو رود دجله و فرات کنونی در سمت جنوب و در محدوده «اوروک» و شمال آن منظور من نیست. ممکن است بگوییم هم‌زمان بوده‌ایم، اما مستند قاطعی نداریم. مادامی که مستندات باستان‌شناسی متقن به دست نیامده باشد، نمی‌توان و نباید چنین ادعایی کرد؛ اگرچه شواهدی وجود داشته باشد.

از مجموعه متونی که فرانسوا دوسه به آنها استناد کرده است، نوشته‌های کوتاهی است که از کتیبه‌های کاوش شده در کنار صندل به دست آمده است؛ آیا شما هم بر این عقیده هستید که اگر کاوش‌ها در «هلیل رود» ادامه پیدا کند، ممکن است در نتیجه کاوش‌ها، حلقه مفقوده میان تمدن بین‌النهرین و شوش در غرب با تمدن «دره سند» برای ما آشکار شود؟

ارتباط میان آنها را نمی‌توان منکر شد؛ به‌ویژه اینکه در بین‌النهرین معادن سنگ مانند سنگ صابونی وجود نداشته و ما می‌دانیم این سنگ از هلیل‌رود آمده است. یا مثلاً سنگ «اُیسیدین» در غار «شانی‌در» در شمال کردستان عراق و نزدیکی دریاچه وان امروزی در ترکیه وجود داشته و در بین‌النهرین و شوش نبوده است. بسیاری از منابع سُربی که در حدود سال ۲۰۰۰ پیش از میلاد به منطقه بین‌النهرین وارد شده، از جنوب اسپانیا و از راه دریا آمده است. این مناسبات تجاری تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در پی داشته است، اما این رابطه تجاری فی‌نفسه نمی‌تواند ثابت‌کننده پیشگامی یکی بر دیگری باشد، مگر مبتنی بر اسناد قطعی باستان‌شناسی که آن نیز فقط در نتیجه کاوش‌ها قابل اثبات است. در دنیای باستان، امکانات و منافع یا با «تجارت» به دست می‌آمده یا با «جنگ» و تسلط بر سرزمین و بردن منابع برای بهره‌برداری؛ تقریباً شبیه وضعیت امروز اما بدوی‌تر! خاطرم هست که در دوران تحصیلم در مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، استادان

● کل‌نقشه پاروی تخت‌جمشید - متن شماره Fort.8960 از مجموعه متن‌های V - متون روزنامه‌ای ترجمه و ویرایش عبدالمجید ارفعی
(از مجموعه کل‌نقشه‌های پاروی تخت‌جمشید - جلد اول - صفحه 260 - مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)

ساموئل نواح کرایمر، از ما پرسید که در داستان خلقت و آدم و حوا، نام «حوا» از کجا آمده است؟ برخی از همکلاسی‌های من یهودی بودند و به تورات استناد کردند و توضیحاتی دادند. کرایمر اما پاسخ داد اولین بار این واژه (حوا) در بین‌النهرین و در زبان سومری از مفهوم زندگی و حیات استخراج شده و پیش از آن مستندی برای این نام نداشته‌ایم! بنابراین نمی‌توانیم نقش پیشگامی بین‌النهرین را نادیده بگیریم. با این حال، باید امیدوار باشیم که بر اثر ادامه کاوش‌ها و افزایش کاوش‌ها در ایران، به نتایج دقیق‌تر و جامع‌تری برسیم. به نظر من با همین وضعیت امروز و همین نتایجی که از پیشینه، تمدن و فرهنگ ایرانی داریم نیز می‌توانیم مدعی دستاوردهایی برای بشریت باشیم. برای نمونه منشور کورش بزرگ در هیچ فرهنگ و تمدنی سابقه نداشته و ادبیاتی نوین در حکمرانی است و به حدی پیشرفته، انسانی و متعالی است که امروزه هم قابلیت استفاده و استناد دارد.